



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال نهم / شماره ۳۴ / تابستان ۱۳۹۹

بررسی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) با تأکید بر پیاده‌سازی مدل زیان اعتباری مورد انتظار (ECL) در بانک‌های ایران

علی رضائی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
ali.rezaei2006@yahoo.com

زهرا پورزمانی

دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه حسابداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
zahra.poorzamani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۳

چکیده

تهیه‌ی صورتهای مالی نمونه بانکه‌ها بر مبنای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از ابتدای سال ۱۳۹۵ برای بانکه‌ها الزام آور و به مورد اجرا گذاشته شده است اما قبل از آن بسترسازی لازم جهت کاهش ریسک سیستماتیک صورت نگرفته است، همچنین فقدان داده‌ها و اطلاعات و نرم افزارهای مناسب و موسسات رتبه بندی معضل دیگر بانکه‌ها در جهت اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بوده است و همزمانی این مساله با مشکل اصلی بانکه‌ها یعنی رشد افسارگسیخته مطالبات مشکوک الوصول، بانکه‌ها را در شرایط بسیار نا بسامانی قرار داده است. به عقیده اکثر صاحب نظران به منظور کاهش مطالبات مشکوک الوصول باید بسترسازی لازم برای پیاده سازی مدل زیان اعتباری مورد انتظار در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره نه صورت گیرد، در همین راستا این پژوهش به بررسی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) با تأکید بر مدل زیان اعتباری مورد انتظار (ECL) در بانکه‌های ایران می پردازد. در این پژوهش، اطلاعات مورد نیاز عمدتاً از طریق مطالعات کتابخانه ای و نظرخواهی از خبرگان به روش دلفی فازی و در موارد ضروری با انجام مصاحبه حضوری گردآوری گردد. در تحقیق حاضر هدف اصلی، ارزیابی وضعیت موجود یعنی استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IAS39) و دستیابی به مدل مناسبی (مدل زیان اعتباری مورد انتظار) برای حسابداری و گزارشگری مالی بانکه‌های ایران است، بر اساس یافته‌های این پژوهش، عوامل کلیدی یک مدل حسابداری و گزارشگری مالی مناسب برای تسهیلات (مدل زیان اعتباری مورد انتظار) تبیین و پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، مدل کاهش ارزش تحقق یافته، مدل زیان اعتباری مورد انتظار، مطالبات مشکوک الوصول.

۱- مقدمه

در ده های گذشته تأمین سرمایه تنها در سطح ملی صورت می پذیرفت. شرکت هایی که تصمیم به افزایش سرمایه داشتند، بیشتر منابع مورد نیاز خود را از تأمین کنندگان محلی (مانند بانکها، سرمایه گذاران و بازار سهام آن کشور) فراهم می کردند. در این موارد، تأمین کنندگان و تحصیل کنندگان سرمایه هر دو در یک کشور قرار داشتند و با مبنای تهیه صورتهای مالی در آن کشور آشنا بودند. امروزه تجارت جهانی بسیار متفاوت است. مجموعه ای از عوامل مانند از بین رفتن محدودیت ها و موانع تجاری، آزادسازی بازارهای مالی، پیشرفت های حوزه فناوری، همگی به ایجاد یک محیط تجاری بسیار متفاوت انجامیده است؛ به گونه ای که بازارهای سرمایه در سطح جهان با یکدیگر پیوند متقابل دارند و سرمایه گذاران در جستجوی فرصت های جدید سرمایه گذاری، مرزهای جغرافیایی کشورهای جهان را در می نوردند و محدودیتهای ملی برای شرکت کنندگان در بازار سرمایه از بین رفته است. افزایش نقش تجارت بین الملل در عرصه اقتصاد و همچنین افزایش جریان سرمایه بین کشورهای مختلف، باعث ارتقای نقش بازارهای مالی بین المللی در تأمین مالی شده است. با وجود این تغییرات در عرصه تجارت، ناکافی بودن رویکردهای منطقه ای و ملی برای مدیریت بازارهای سرمایه احساس می شود و برای رفع این کاستی ها، اقتصاد جهانی به استانداردهایی نیاز دارد که در سطح بین المللی پذیرفته شده باشند. جهانی شدن روشهای تأمین سرمایه، سرآغاز حرکت به سمت جهانی شدن استانداردهای گزارشگری مالی است؛ زیرا وجود تفاوت های بسیار در استانداردهای بین المللی مختلف، معاملات در بازار سرمایه را با دشواری های جدی روبه رو می کند. این در حالی است که اگر سرمایه گذاران و سرمایه پذیران در سراسر جهان پراکنده باشند، نیازی به وجود مجموعه استانداردهای حسابداری جداگانه برای هر کشور نخواهد بود. امروزه حدود ۱۲۰ کشور استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی را پذیرفته اند. بعضی از کشورها مانند چین، این استاندارد ها را به صورت نسبی به کار گرفته اند و بعضی کشورها مانند آمریکا نیز برای پذیرش این استاندارد ها برنامه ریزی کرده اند. اهداف اصلی این استانداردها از نظر کمیسیون اروپا و هیئت استانداردهای حسابداری بین المللی عبارت از افزایش قابلیت مقایسه و شفافیت اطلاعات مالی، افزایش کارایی بازارهای سرمایه و پیامدهای مساعد و مثبت اقتصادی است را به نظر می رسد. یکی از نتایج برنامه کمیته بین المللی استانداردهای حسابداری (IASB) در هماهنگ سازی حسابداری در سطح جهان، پذیرش استانداردهای بین المللی از

سوی تعداد قابل توجه و فزاینده ای از نهادهای حرفه ای حسابداری در کشورهای در حال توسعه می باشد این پذیرش گسترده درست نقطه مقابل نظرات و استدلال های قیاسی بسیاری از دانشگاهیان و صاحب نظران است که ادعا می کنند حصول اهداف استانداردهای بین المللی حسابداری برای این کشورها غیر عملی، نامربوط، و یا حتی زیان آور است (نوروش، ۱۳۸۱)، به همین خاطر در پذیرش منطقی IFRS ابتدا باید (وضعیت) چالش های موجود را شناسایی و سپس راه کارهای مناسب برای رفع این چالشها را پیشنهاد نمود. از میان کلیه استانداردهای حسابداری مرتبط با بانک تنها تعدادی از آنها تفاوت اساسی با IFRS دارند یکی از این استانداردها، IFRS9 می باشد که در این پژوهش بطور جامع به آن پرداخته می شود.

۲- مبانی نظری پژوهش

ساختار، شکل و مفهوم صورتهای مالی در هر کشور به نوع استانداردهای مورد پذیرش آن مربوط است و یکسان سازی این ساختار، شکل و مفهوم، روندی است که تجارت در دهکده ی جهانی و لزوم بهینه کردن تصمیمات اقتصادی در سرتاسر جهان آن را به پیش می برد. پذیرش جهانی استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی نشان دهنده ی بخشی از موج جهانی استانداردسازی است که در مورد مفاهیم غیر حسابداری ۱۵۰ سال است که آغاز شده است. در این عصر یکسان سازی استانداردها، استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی زبان مشترکی است برای حسابداری بین المللی و هماهنگ سازی که با کاربردی شدن در بازارهای سهام، روز به روز گسترده تر و قابل اطمینان تر می گردد. به نظر می رسد این زبان مشترک با توافق بیش از ۱۰۰ کشور در خصوص اجرای آن تبدیل به یک اجبار جهانی می شود. کشورهای مختلف نیز با درک اهمیت استفاده از استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در دنیای امروز به سمت ارائه ی آموزش های لازم و حرکت در مسیر هماهنگ سازی پیش می روند.

وقتی اولین نیازها برای استانداردهای جهانی با کیفیت بالا شناسایی شد، اعضای حرفه ی حسابداری، استانداردهای حسابداری بین المللی را مطرح و ایجاد کردند، اما این موضوع از زمانی که بازار جهانی سرمایه، آن را به طور جدی دنبال کرد جنبه ی دیگری به خود گرفت. بازار سرمایه مشخص کرد که پذیرش این هماهنگ سازی یکی از عوامل ورود سرمایه به کشورها می باشد، کاری که در حالت معمول احتیاج به سیاست و برنامه ریزی گسترده دارد. این عوامل کشورها را ترغیب کرد

که قدم های خود را در جهت پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری با استحکام بیشتری بردارند.

در بررسی انجام شده از طریق صندوق بین المللی پول (IMF)، در ارزیابی توسعه ی بخش مالی در خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۰۵، ایران در بین ۲۰ کشور مورد بررسی در رده ی ۱۸ قرار گرفت و شاخص توسعه ی مالی آن در سطح پایین ارزیابی گردید. همچنین بر طبق تحقیق موسسه ی استاندارد فروم، ایران با ۲ پله سقوط در سال ۲۰۰۹ از گروه سوم به گروه پنجم تغییر مکان داده است. این گونه بررسی ها نشان دهنده ی افزایش ریسک تجاری در ایران است که خود موجب کاهش استفاده از موقعیت های بهینه ی اقتصادی می گردد. در دنیای امروز راه برای خروج از این موقعیت وجود دارد. پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری مربوط به بانکها با تامل و با رفع موانع موجود می تواند راه را برای افزایش کیفیت استانداردهای حسابداری ایران در حوزه صنعت بانکداری هموار سازد.

پیشینه و ضرورت استانداردگذاری در حوزه صنعت بانکداری

اساسا موضوع استانداردگذاری پدیده ای است که در زمینه های مختلف در ۱۵۰ سال اخیر مطرح شده است. جهان شاهد استانداردسازی زمان، ابزارهای ارتباطی، روشهای تولید و مقیاس های گوناگون بوده است. در این راستا سازمان های متعددی نظیر سازمانهای بین المللی استاندارد، شکل گرفته و قواعدی را به منظور استانداردسازی وضع کرده اند. استانداردسازی در واقع بخشی از سلسله مراتب توسعه ی فراگیر است که اصطلاحا به آن مدرنیته گفته می شود. در جامعه ی مدرن، هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری به تبع سایر موضوعات، امری لازم و حتمی است. موضوع هماهنگ سازی در حسابداری در دو دهه ی اخیر در سطح بین المللی مورد پذیرش گسترده قرار گرفته است (نثو و لهن، ۲۰۰۳) در گذشته مالکان بانکها، مدیران آنها نیز بوده اند همین مالکان (مدیران) مهمترین استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری به شمار می آمدند. شواهد موجود بیانگر این امر می باشد که حسابداری در آن زمان در ایفای نقش خود کاملا موفق بوده است و نیازی به هماهنگی در رویه های مورد استفاده حسابداری وجود نداشته است. ولی انقلاب صنعتی و رشد روزافزون سازمان های تجاری خدماتی (بانکهای دولتی) باعث گردید تا مدیریت بانکها از مالکیت آنها تفکیک گردد. پس از این رویداد وظیفه ی حسابداران خطیرتر و حساس تر شد، زیرا هم باید اطلاعاتی را درباره ی مباشرت مدیریت ارائه می نمودند و هم اطلاعاتی را

برای تصمیم گیری های اقتصادی سرمایه گذاران منطقی منتشر می کردند. تا سال ۱۹۲۹ هیچ روش و رویه ی یکنواختی برای ارائه ی گزارش ها و اطلاعات اقتصادی توسط بانکها وجود نداشت که این امر باعث دستکاری در سود می گردید و در نهایت باعث بروز بحران اقتصادی بی سابقه ی بازار نیویورک در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۲۹ یا پنجشنبه ی سیاه آمریکا گردید، که در آن روز حدود ۱۵ میلیارد دلار زیان به سهامداران تحمیل شد (هندریکسون و بردا، ۱۹۹۲) پس از این واقعه انتقادات بسیار شدیدی دامن گیر حرفه ی حسابداری گردید. در همین سال ها بود که کنگره ی آمریکا، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) را به منظور ایجاد یکنواختی در اعمال روشهای حسابداری و قابلیت مقایسه در اطلاعات مالی ارایه شده توسط بانکها و نیز الزام بانک ها به افشای روش های مورد استفاده و سایر عوامل، به عنوان مسئول تدوین سیاستهای حسابداری برگزید.

این کمیسیون در نهایت و پس از بحث های فراوان، وظیفه ی استانداردگذاری در حسابداری را در سال ۱۹۳۶ به حرفه ی حسابداری تفویض نمود. این وظیفه ابتدا به کمیته ی رویه های حسابداری محول شد و سپس در سال ۱۹۵۹، این مسئولیت به هیات تدوین اصول حسابداری محول شد. هیات مذکور تا سال ۱۹۷۳ اقدام به انتشار چندین اظهار نظر و بیانیه نمود (پوریانسن و مهرانی، ۱۳۷۹) این هیات در سال ۱۹۷۳ جای خود را به هیات استانداردهای حسابداری مالی داد که این مسئولیت را تا به امروز بر عهده دارد. در همین راستا کمیته ی تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری نیز در سال ۱۹۷۳ توسط انجمن های حرفه ای حسابداری کشورهای آمریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا، فرانسه، آلمان، ژاپن، مکزیک، هلند و ایرلند تاسیس گردید. در حال حاضر اعضای هیات شامل ۱۳۸ سازمان حرفه ای از ۱۱۲ کشور جهان است. این هیات اقدام به تدوین و انتشار استانداردهای حسابداری به منظور به کارگیری در سطح بین المللی نموده است (نونهل نهر، ۱۳۸۷)

موافقان و مخالفان استفاده از استانداردهای بین المللی حسابداری

تاکنون دیدگاه های متعددی درباره ی مزایای هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری در سطح بین المللی ارائه شده است که مرکز ثقل این دیدگاه ها، تئوری فرهنگ آزاد می باشد. بر این اساس تمام استفاده کنندگان صورتهای مالی در تمام کشورها دارای نیازهای یکسانی هستند و معاملات اقتصادی را می توان بر حسب واژه های حسابداری در هر شرایطی و با استفاده از روش های مشابهی در هر قسمتی از دنیا اندازه گیری

کرد (مهرانی و ناظمی، ۱۳۸۶) ری بال در تحقیقی با بررسی مزایا و معایب استانداردهای بین المللی بیان نمود عامل اصلی لزوم استفاده از استانداردهای هماهنگ، کاهش هزینه های معاملات، کاهش هزینه های تبادل اطلاعات و افزایش ایفای نقش در روابط جهانی است.

(رودریگز، ۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود اعتبار بخشی و ایجاد قابلیت مقایسه را از دلایل مهم لزوم یکسان سازی استانداردهای حسابداری در سطح جهان می داند و در عین حال بیان می دارد که مهمترین عامل لزوم پذیرش استانداردهای حسابداری بین المللی ترویج چندجانبه گرایی و تمایل جامعه ی بین المللی به خروج از یک جانبه گرایی استانداردهای آمریکایی است.

(بارت و لانگ، ۲۰۰۸) دریافتند، اطلاعات تهیه شده براساس استانداردهای بین المللی حسابداری، دارای کیفیت بالایی می باشند. به عبارت دیگر شواهد نشان دهنده ی مدیریت کمتر سود و شناسایی به موقع تر زیان و اطلاعات مربوط تر حسابداری در بانکهای تجاری است که استانداردهای بین المللی را اجرا می کنند. به عقیده ی طرفداران رویکرد یکپارچه سازی استانداردهای حسابداری، مدیران شرکتهای از یک طرف و مدیران بانکها از طرف دیگر نیازمند اطلاعات مربوط و قابل اتکا برای تصمیم گیری در خصوص تخصیص منابعی هستند که همواره با محدودیت های زمانی و بودجه ای همراه است. همچنین آنها اذعان می کنند که جهانی شدن اقتصاد و ظهور سازمان ها و اتحادیه های جهانی نظیر اتحادیه ی اروپا، سازمان تجارت جهانی، نفتا، آپک و همچنین روند روبه رشد نوآوری ها در مبادلات تجاری بین المللی، ایجاب می کند تا تفاوت های استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی میان کشورها برطرف شود.

به نظر موافقان، گسترش و پیچیدگی مبادلات در بازارهای جهانی موجب پدیدار شدن استانداردهای حسابداری پیچیده است. آنها معتقدند هیات تدوین استانداردهای حسابداری می توانند از طریق ایجاد نظام یکپارچه در سطح بین المللی، پیچیدگی استانداردهای حسابداری را کاهش و آن را ساده کنند. آنها ادعا دارند که استانداردهای یکپارچه و ساده حسابداری موجب کاهش هزینه های مرتبط با گزارشگری مالی شده و تقاضا برای آن استانداردها را افزایش می دهد. همچنین در نظر طرفداران، رویه های متفاوت حسابداری در سطح جهان، درک و فهم اطلاعات صورتهای مالی را کاهش می دهد. لذا یکنواختی رویه های حسابداری، ریسک مربوط به فهم اطلاعات صورتهای مالی ناشی از عدم افشای اطلاعات کامل و یکنواخت را کاهش می دهد و بر سودمندی تصمیمات می افزاید و در نتیجه هزینه ی سرمایه کاهش می یابد. به عقیده ی آنها وجود استانداردهای

مختلف باعث کاهش کیفیت استانداردها می شود، استانداردهای یکپارچه ی بین المللی فرآیند شناخت و اندازه گیری را آسان و قابلیت مقایسه ی اطلاعات صورتهای مالی را در سطح بین المللی افزایش می دهد به علاوه باعث تشویق جریان های سرمایه گذاری بین المللی شده و کارایی بازارهای بین المللی افزایش می یابد.

جایگاه هماهنگ سازی و استانداردهای بین المللی حسابداری در ایران و جهان

در دهه های گذشته تجارت و سرمایه گذاری بین المللی گسترش بسیاری یافته است و این موضوع باعث ایجاد انگیزه برای یکنواخت کردن استانداردهای حسابداری در سطح بین المللی شده است. با افزایش سرمایه گذاری های بین المللی، ضرورت الحاق کشورها به استانداردهای یکنواخت که درک یکسان ذینفعان را به همراه داشته باشد، مطرح گردید. از طرف دیگر بانک هایی با سطح فعالیت بین المللی به وجود آمدند و با این امر مسئله ی هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری به منظور افزایش قابلیت مقایسه ی صورتهای مالی بانکهای بین المللی مطرح شد.

هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری فرآیندی است که بر اساس آن، تفاوت های حسابداری بااهمیت و موثر بر تصمیم گیری استفاده کنندگان خارجی شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و در صورتی که منافع حاصل از هماهنگ سازی از هزینه های آن بیشتر باشد، این امر به وقوع می پیوندد (صالح نژاد، ۱۳۷۶)

به منظور دستیابی به فرآیند هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری، کمیته ی تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری، در سال ۱۹۷۳ تشکیل گردید. در واقع در حال حاضر منظور از هماهنگ سازی استانداردها به کارگیری استانداردهای بین المللی است (مهرانی و ناظمی، ۱۳۸۶). تدوین استانداردهای بین المللی طی سال های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۰ بر عهده IASC بود و این استانداردها با عنوان استانداردهای حسابداری بین المللی IAS تجویز می شدند

IAS طی مدت مذکور ۴۱ استاندارد با نام های IAS صادر نموده که ۳۱ استاندارد آن هنوز هم در حال استفاده است، اما مابقی حذف شده اند. در آوریل ۲۰۰۱، مسئولیت تدوین استانداردهای بین المللی به هیئت استانداردهای حسابداری بین المللی (IASB) محول شد، استانداردهای این هیئت با عنوان IFRS منتشر می شود. و ادامه ی استانداردهای IAS قلمداد می شوند.

موانع استفاده از استانداردهای بین المللی

ری بال، (۲۰۰۶) در تحقیق خود موانع استفاده از استانداردهای بین المللی بیان می دارد که شامل دخالت دولت ها در اقتصاد، سیاست های دستوری در مورد گزارشگری مالی، نفوذ برخی بخش ها در گزارشگری مالی مانند شرکت های بزرگ، بانک ها، اتحادیه های کارگری، سیستم های قانونی خاص مثل قوانین اوراق بهادار، عمق بازار مالی و ساختار آن، نقش رسانه ها، تحلیلگران مالی و نهادهای رتبه بندی، اندازه ی شرکت ها، ساختار راهبری شرکتی) نقش مدیران، کارگران و سرمایه (، نوع مالکیت دولتی، خصوصی یا خانوادگی، نقش سرمایه گذاران جزء و دارندگان اطلاعات نهانی، میزان استفاده از صورتهای مالی جهت پاداش مدیران و در نهایت موقعیت، استقلال، آموزش و حقالزحمه ی حسابرسان می باشد.

(رودریگز و کریچ، ۲۰۰۶) نیز موانعی را جهت هماهنگ سازی استانداردهای بین المللی حسابداری مطرح کرده اند که عبارتند از مشکلات محیطی و تفاوت در آیین، تاریخ، دین و فرهنگ، اقتصاد سیاسی، دیدگاه پست مدرن، استفاده کنندگان عمده و تفاوت های اجتماعی - اقتصادی و دیدگاه برخی اعضاء حرفه ی حسابداری در خصوص عدم نیاز به هماهنگ سازی و در نتیجه اجتناب از آن، اجتناب و گریز از تسلط سیستم های مالی آنگلو- ساکسونی چرا که هماهنگ سازی را به معنی چیرگی و تسلط مدل های آمریکایی - انگلیسی بر دنیا می دانند.

پیشینه تجربی پژوهش

آگوستینو و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیق به شواهدی روشنی دست می یابند مبنی بر این که اثر سود حسابداری بر قیمت سهام بانک پس از پذیرش اجباری IFRS افزایش می یابد، در حالی که اکثر برآوردهای آنها در مورد تأثیر ارزش دفتری بر قیمت سهام معنی دار نبود. آنها نتیجه می گیرند که IAS ممکن است تأثیرات مثبتی بر شفافیت بازارهای مالی، داشته باشد هرچند ممکن است نوسان قیمت سهام را نیز افزایش دهد.

لاتریدیس (۲۰۱۰) با تحقیق در شرکت های انگلیس نشان می دهد که پیاده سازی IFRS موجب تقویت کیفیت حسابداری شده و باعث می شود معیارهای حسابداری از مربوط بودن بالاتر ارزش برخوردار شوند.

کالاو و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیق نتیجه می گیرند که IFRS تأثیر منفی بر مربوط بودن گزارشگری مالی در اسپانیا و بریتانیا دارد، هرچند این تأثیر تنها در شرکتهای اسپانیایی

معنی دار بود. می توان نتیجه گیری کرد که تأثیر IFRS بر کیفیت حسابداری پیچیده بود و نیاز به تحقیقات بیشتری در این زمینه است.

لاتریدیس و راولیس (۲۰۱۰) در تحقیق با در نظر گرفتن اثرات بعد از پذیرش IFRS در یونان، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن به استثنای بانک ها و شرکت های بیمه را مورد مطالعه قرار داده و شواهدی را ارائه دادند که نشان می دهد پذیرش IFRS منجر به بالا رفتن مربوط بودن ارزش معیارهای حسابداری می شود.

دسک، هیل، لوز و وردی (۲۰۰۸) در تحقیق تأثیر اقتصادی گزارشگری اجباری تحت IFRS را در ۲۶ کشور مورد ارزیابی قرار دادند. طبق نتایج این تأثیر بر نقدشوندگی بازار، هزینه سرمایه و کیو توبین نسبتا کم بود، اما منافع این تأثیر در بازار سرمایه در حوالی معرفی IFRS بسیار قابل توجه بود. با این وجود این منافع در کشورهایی رخ داده که شرکت های آنها انگیزه افشای گزارشهای شفاف را دارند و اینکه در این کشورها اجرای قانون الزامی است.

هانگ و سابرامانیام (۲۰۰۴) در تحقیق اثرات پذیرش IFRS بر صورتهای مالی گزارش شده شرکت هایی که از سیستم های حسابداری قاره ای استفاده کرده اند را مورد بررسی قرار می دهند. نمونه تحقیق آنها شرکت های آلمانی است، آنها به این نتیجه رسیدند که دارایی های کل، ارزش دفتری سهام و تغییرات ارزش دفتری و درآمد تحت IFRS دارای مربوط بودن بالاتری هستند تا تحت GAAP آلمان، در حالی که ارزش دفتری و درآمد تحت IFRS از مربوط بودن بیشتری برخوردار نبود.

فاطمه دادبه و نسترن احمدی (۱۳۹۵) در تحقیق با عنوان قوانین کاهش ارزش در استاندارد گزارشگری مالی بین المللی شماره ۹ (IFRS9) چالش های اجرا و راه حل های بالقوه نتیجه گرفتند که راهکارهایی جهت تامین الزامات در زمینه هایی مانند تفکیک پرتفوی، آستانه گذار در بین مراحل کاهش ارزش، و محاسبه زیان های اعتباری مورد انتظار را می توان پیشنهاد داد.

هدایتی و یزدانی (۱۳۹۷) در تحقیق با عنوان شناسایی نیازهای آموزشی جامعه حسابداران رسمی ایران در ارتباط با پیاده سازی استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در ایران نتیجه گرفتند که نیازهای آموزشی استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی بر اساس سطح تحصیلات، آموزش و تجربه پیشین کارکردن با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی متفاوت است.

مدیران و کارشناسان بانک ها و شرکتهای بزرگ، مدیران و افراد ذیصلاح در نهادهای مرتبط مانند سازمان حسابرسی، کمیته ی تدوین استانداردهای حسابداری ، سازمان بورس و اوراق بهادار و حسابرسان مورد پرسش قرار گرفته اند. با توجه به اینکه نهادهای مرتبط و اکثر بانکهای بزرگی که در حوزه ی جامعه ی آماری این تحقیق قرار گرفته اند، در شهر تهران قرار دارند و همچنین جهت دسترسی مستقیم محقق و اجتناب از ارسال پرسشنامه از طرقی که ممکن بود به بوته ی فراموشی سپرده شود ، قلمرو این تحقیق شرکتها و نهادهای ناظر و اساتید و کارشناسان بانکی مستقر در شهر تهران در نظر گرفته شد.

پیش فرض های پژوهش

پیش فرض های کلیدی و الزام آور این استانداردها بر بانکها در این بخش باید مورد بحث و بررسی بیشتری قرار گیرد. در همین راستا یکی از حوزههای مهم و موثر بر گزارشگری بانکها ذخیره کاهش ارزش تسهیلات اعطایی است به همین جهت ابتدا برای دستیابی به وضعیت مطلوب ذخیره کاهش ارزش تسهیلات اعطایی مفهوم مدل زیان اعتباری موردانتظار تشریح و سپس به شاخص های مربوط به این مدل پرداخته می شود.

مفهوم زیان مورد انتظار: عدم ایفای تعهد به یکباره اتفاق

نمی افتد، بلکه ابتدا شرایط اعتباری بد می شود، ریسک اعتباری افزایش پیدا می کند و بعد شواهد عینی از جمله عدم پرداخت یا ورشکستگی اتفاق می افتد. زیان مورد انتظار اثرات این عدم ایفای تعهد را در دوره های زمانی زودتر شناسایی می کند.

شناسایی زیان اعتباری در IFRS9 در سه مرحله اتفاق می افتد:

- ۱) زیان مورد انتظار 12 ماهه (از تاریخ گزارشگری تسهیلات جاری)
- ۲) زیان مورد انتظار چرخه عمر (تسهیلات نیمه جاری)
- ۳) زیان مورد انتظار چرخه عمر برای دارایی های زیان دیده (دارایی های انفرادی که کاهش ارزش دارند)(تسهیلات غیر جاری)

پورزمانی و بنائی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان تاثیر فرهنگ بر اجرای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی نتیجه گرفتند که ازمیان ابعاد فرهنگی ، فرهنگ اجتناب از عدم اطمینان تاثیر مثبت و معناداری بر IFRS دارد.

فروغی و اشرفی (۱۳۸۸) به تشریح چالشها و فرصتهای استانداردهای جهانی حسابداری پرداختند. آنها با مطالعه تحقیقات انجام شده در خارج از کشور و داخل کشور برخی از فرصتهای استانداردهای جهانی را تشریح کردند. آنها فرصتها را در افزایش قابلیت مقایسه ،ارتقا کیفیت گزارشگری و صرفه جویی در زمان بیان کرده اند.همچنین چالشها را در استفاده از ارزشهای منصفانه،شرایط نامشابه اقتصادی و سیاسی و عدم حفظ منافع همه گروه های ذینفع می دانند.

وکیلی فرد(۱۳۸۸) چالشها و انتقادهای مطرح شده پیرامون چارچوب مفهومی مشترک هیات استانداردهای بین المللی حسابداری و هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری و هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که وجود چارچوب مفهومی برای دستیابی به استانداردهای حسابداری هماهنگ، ضروری است و نقش حیاتی را در تدوین استانداردهای جدید ایفا می کند و در نتیجه موجب افزایش شفافیت گزارشگری می شود.

۳- روش شناسی پژوهش

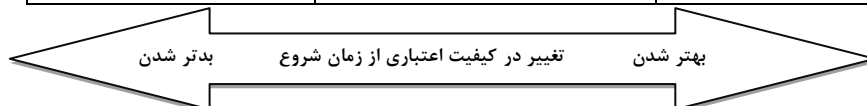
پژوهش حاضر از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. هدف تحقیق کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. هم چنین تحقیق حاضر، از نظر روش و ماهیت از نوع تحقیق همبستگی است. در این تحقیق هدف، تعیین میزان رابطه متغیرهاست. برای این منظور بر حسب مقیاس های اندازه گیری متغیرها، شاخص های مناسبی اختیار می شود(همان منبع، ۱۷۲).

تحقیق حاضر مطالعه ای کاربردی است که به شکل پیمایش اجرا شده است. در این پژوهش با بررسی پیشینه و متون مرتبط با تحقیق، عواملی که مانع پذیرش استانداردهای بین المللی بانکهای دولتی است شناسایی و گروه بندی شد. در مرحله ی بعد پرسشنامه ای کتبی جهت نظرخواهی عمومی از خبرگان تدوین گردید و از پاسخ دهندگان با مقیاس طیف لیکرت و روش دلفی فازی نظر سنجی گردید.

در این پژوهش قلمرو تحقیق به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

با توجه به اینکه استفاده از استانداردهای بین المللی حسابداری در سطح کلان جامعه باید مورد بررسی قرار می گرفت، برای دستیابی به اهداف پژوهش ، اساتید دانشگاهها ،

مرحله ۳	مرحله ۲	مرحله ۱	
شناسایی عینی کاهش ارزش (IAS39)	نرخ بهره موثر در ارزش ناخالص دفتری تسهیلات (قبل از کسر ذخیره کاهش ارزش)	نرخ بهره موثر در ارزش ناخالص دفتری تسهیلات (قبل از کسر ذخیره کاهش ارزش)	شناسایی زیان
نرخ بهره موثر در ارزش خالص دفتری تسهیلات (با کسر ذخیره کاهش ارزش)	نرخ بهره موثر در ارزش ناخالص دفتری تسهیلات (قبل از کسر ذخیره کاهش ارزش)	نرخ بهره موثر در ارزش ناخالص دفتری تسهیلات (قبل از کسر ذخیره کاهش ارزش)	شناسایی درآمد



ج: زیان مورد انتظار چرخه عمر برای تسهیلات غیر جاری، که نکول رخ داده است:

محاسبه این زیان شبیه مدل بالاست، حتما بصورت انفرادی ارزشیابی می شود و تفاوت با وضعیت تسهیلات نیمه جاری در افزایش ضرایب احتمال ریسک اعتباری می باشد که نتیجه آن منجر به شناسایی ذخیره بیشتر می شود.

در همه موارد فوق، میزان کسری وجه نقد نسبت به مبلغ قراردادی محاسبه و تنزیل می شود و حاصل آن مبلغ زیان اعتباری است. (در IAS39 ارزش فعلی جریانات نقدی ورودی محاسبه و با ارزش دفتری وام مقایسه و مبلغ بعنوان ذخیره منظور می گردد)

برای محاسبه زیان کاهش ارزش، IFRS9 روش خاصی را تجویز نمی کند، لیکن در تعیین زیان مورد انتظار 3 ویژگی باید در نظر گرفته شود:

- یک مبلغ بی طرفانه و موزون بر اساس احتمالات با ارزیابی یک گستره از نتایج محتمل
- ارزش زمانی پول
- وجود اطلاعات معقول و پشتیبان که بدون انجام هزینه های گزاف در دسترس باشد (در ارتباط با رخدادهای گذشته، شرایط فعلی و پیش بینی شرایط اقتصادی آتی).

مدل زیان اعتباری مورد انتظار

اگر چه رویکرد در IFRS9 آینده نگر است اما اطلاعات تاریخی (مثلا نرخهای نکول) همیشه به عنوان پایه محاسبات ECL استفاده می شود. لیکن اطلاعات تاریخی بر مبنای اطلاعات جاری جهت انعکاس شرایط آتی تعدیل می شود. بعنوان مثال نرخهای زیان وام ها ممکن است در شرایط افزایش نرخ بیکاری و رکود اقتصادی، با استفاده از

الف: زیان مورد انتظار دوازده ماهه - برای تسهیلات جاری

این زیان به محض اعطای تسهیلات شناسایی می شود. زبانی است که از رخدادهای نکول (عدم ایفای تعهدات) که طی ۱۲ ماه آینده محتمل است ناشی می شود نسبت به وزن کل احتمالات نکول در طی عمر تسهیلات. احتمال نکول در طی عمر تسهیلات پراکنده و متفاوت می باشد. بعنوان مثال احتمال نکول در طی عمر یک تسهیلات ۳ ساله می تواند ۱۱% باشد. سال اول ۴%، سال دوم ۵% و سال سوم ۲% (جمعا ۱۱%)

ب: زیان مورد انتظار چرخه عمر برای تسهیلات نیمه جاری:

این زیان در زمان انتقال از طبقه اول (زیان مورد انتظار ۱۲ ماهه) به طبقه دوم که مستلزم افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری تسهیلات می باشد اتفاق می افتد و پس از این افزایش نیز ریسک باید از میزان کم، بیشتر شده باشد.

در IFRS9 تعریف خاصی از "افزایش قابل ملاحظه" در ریسک اعتباری صورت نگرفته که باید توسط مدیریت، واحدهای اعتباری و ریسک انجام شود (با استفاده از داده های درون سازمانی و بیرونی).

این فرض قابل رد وجود دارد که اگر تعهد پرداخت تا ۳۰ روز انجام نشود (نکول بالاتر از ۳۰ روز)، افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری رخ داده است.

در شناسایی زیان مورد انتظار کل عمر، تمام احتمالات نکول علاوه بر ۱۲ ماه آینده و تا پایان عمر تسهیلات در نظر گرفته می شود.

روشهای آماری تعدیل (افزایش) یابد چرا که احتمال زیان آتی افزایش پیدا کرده است.

فرمول محاسبه زیان اعتباری مورد انتظار (ECL)

$$ECL = PD(\%) \times LGD(\%) \times EAD\$$$

تعریف فاکتورهای مورد استفاده جهت محاسبه ECL :

PD = Probability of Default : احتمال نکول (عدم ایفای تعهد)

LGD = Loss Given Default : درصد در معرض خطر زیان (زیان نکول) (بخش بدون پوشش که از ارزش وام به کسر وثائق محاسبه می شود)
EAD = Exposure at Default : مبلغ در معرض خطر زیان (معمولا مانده وام است)

چارچوب کلی مدل زیان اعتباری مورد انتظار

در این قسمت به تشریح اجزای مدل زیان اعتباری مورد انتظار پرداخته شده است. در مدل مذکور تاریخ گزارشگری را زمان صفر در نظر می گیریم، M نیز زمان مورد نظر از تاریخ گزارشگری تا سررسید قرارداد مالی است و $t \in [0, M]$ به عنوان شاخص زمانی بین این دو زمان در نظر می گیریم. همچنین متغیرهای τ و η را به ترتیب به عنوان زمان نکول و زمان خروجی بدون نکول در نظر می گیریم. نکته قابل توجه این است که انتخاب η برای تسهیل اختیاراتی است که در برخی قراردادهای مالی حول زمانهای خروجی اولیه (به علت پیش پرداختها، سرمایه گذاریهای مجدد، اختیار خرید، و غیره) رخ می دهد. در نتیجه هرگونه عدم اطمینان در سررسید، واقعی نیز در نظر گرفته می شود. در ضمن η ، M همیشه می توانند به عنوان یک عدد ثابت رفتار کنند. همچنین τ نیز نرخ تنزیلی است که در IFRS9 تعیین شده و X_t نیز بردار متغیرهای حالت در زمان t است، $t \in [0, M]$ ، X_t را می توان به عنوان توصیف کننده کامل شرایط اقتصادی در زمان t مشاهده کرد.
در زمان گسسته، یعنی $t = 0, 1, \dots, M$ ، چرخه عمر برابر است با:

$$Lifetime ECL = E \left[\sum_{t=1}^M \frac{1}{(1+r)^t} LGD_t \times EAD_t \times Pr(t-1 < \tau \leq t, \eta > t-1) | X_0 \right], \quad (1)$$

که $Pr(t-1 < \tau \leq t, \eta > t-1)$ احتمال برآمد زمانی است که در آن نکول وجود ندارد و خروج قبل از زمان t-1 و احتمال زمان نکول در دوره زمانی LGD_t ، $(t-1, t]$ و EAD_t به

ترتیب زیان نکول و مبلغ در معرض نکول قرار گرفتن است، البته چنانچه چنین نتیجه ای حاصل شود، $E[0/X_0]$ عملگر انتظارات شرطی X_0 است. توجه داشته باشید که در معادله (۱) به صورت ضمنی فرض می شود که احتمال نکول و خروجیها در انتهای هر دوره رخ می دهد، یعنی در عمل یک فرض زمانی گسسته ایجاد شده است. این فرض برای ارائه مدلی با پیوستگی زمانی از معادله (۱) است. در ادامه، فرض می کنیم توزیع احتمال مشترک τ $F(t, s) = P(\tau \leq t, \eta \leq s)$ وجود دارد، و متناظر آن تابع چگالی احتمالی $f(t, s) = \partial^2 F(t, s) / \partial t \partial s$ است. در نتیجه، برای زمان پیوسته T و S داریم:

$$Lifetime ECL = E \left[\int_0^M \int_t^M e^{-rt} LGD_t EAD_t f(t, s) ds dt | X_0 \right], \quad (2)$$

متذکر می شویم عبارت مورد نظر در معادله (۱) یا معادله (۲) مطابق با الزامات 9 IFRS هستند. برای ساده سازی علائم در معادلات، با استفاده از کمیت درون معادله (۱)، رابطه (۳) را به شرح زیر تعریف می کنیم:

$$EL_t = LGD_t \times EAD_t \times Pr(t-1 < \tau \leq t, \eta > t-1). \quad (3)$$

که EL_t احتمال کسری نقد موزون است که به زمان نکول $t \in (t-1, t]$ تنزیل شده، و احتمالاتی که منعکس کننده هر دو احتمال رخداد کسری بازده و رخ ندادن آن است. $(LGD_t \times EAD_t)$ کسورات نقدی مورد انتظار است و نکولی را نشان می دهد که در دوره زمانی $(t-1, t)$ رخ می دهد، همچنین LGD_t نیز به عنوان کل ارزش فعلی مورد انتظار (PV) تعریف می شود، در زمان نکول، کسورات نقدی بازده که بعد از زمان نکول رخ می دهند تقسیم بر EAD_t شده اند. از آنجایی که در دوره زمانی $(t-1, t)$ کسری نقدی صفر است، لذا اگر هیچ نکولی رخ ندهد و یا یک زمان خروجی قبل از $t-1$ وجود داشته باشد آن وقت، EL_t زیان مورد انتظار است که برای یک دوره خاص احتمال مقدار موزونی است که هم کسورات نقد صفر و هم غیر صفر را در نظر می گیرد. علاوه بر این، از آنجا که EL_t نشان دهنده کل کسری نقد مورد انتظار است که به زمان نکول تنزیل شده، تنزیل EL_t از زمان نکول به زمان گزارشگری (زمان صفر)، یعنی $EL_t / (1+r)^t$ الزاماتی را به دست می دهد که در آن ECL باید به تاریخ گزارشگری تنزیل شده باشد.

سوالات پژوهش

سوالی که در مدل زیان اعتباری مورد انتظار در IFRS9 می توان مطرح کرد این است که پیاده سازی مدل زیان اعتباری مورد انتظار در IFRS9 با چه چالش هایی مواجه هست و چه آثار مالی و نتایج اقتصادی می تواند به دنبال داشته باشد؟ بانک ها به عنوان تامین مالی کننده اصلی بنگاه های کشور، شریان اصلی انتقال جریان های نقدی و تامین سرمایه به اقتصاد ما هستند، شربانی که این روزها حال و روز خوشی ندارد. از طرفی شرایط نابسامان فعلی نظام بانکی با اجرای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی همزمان شده است. با توجه به آخرین تغییر و تحولات استانداردهای مذکور، یکی از مسایل چالشی که در سطح بین المللی باید برای آن چاره اندیشی شود نحوه ی پیاده سازی صحیح مدل زیان اعتباری مورد انتظار در IFRS9 می باشد. مدل مذکور یک مدل سه مرحله ای می باشد که جایگزین مدل کاهش ارزش تحقق یافته شده IAS39 شده و به زودی لازم الاجرا خواهد شد. پیاده سازی مدل جدید از پیچیدگی های فراوانی برخوردار بوده و اجرای صحیح آن نیازمند یکسری زیرساخت ها مثل نرم افزار و امکانات فناوری اطلاعات و دیتا می باشد و همچنین تغییر و تحول بنیادین در صنعت بانکداری را می طلبد (شاهین کرزبر، ۱۳۹۶). بنا بر چنین ضرورتی در این پژوهش به شناسایی و رتبه بندی پیاده سازی مدل زیان اعتباری مورد انتظار پرداخته شده و در نهایت برخی راهکارها در راستای رفع چالش ها ارائه شده است.

بنابراین در این پژوهش این سوالات مطرح می شود:

- ۱) وضعیت مطلوب در صورت اجرای مدل زیان اعتباری مورد انتظار در استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS9) به چه شکل خواهد بود؟
- ۲) وضعیت موجود در بانک های ایران برای اجرای مدل زیان اعتباری مورد انتظار در استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS9) به چه صورت است؟
- ۳) بین وضعیت موجود در بانک های ایران و وضعیت مطلوب اجرای مدل زیان اعتباری مورد انتظار در استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS9) چه فاصله ای وجود دارد؟
- ۴) به چه راهکارها و امکاناتی برای رفع چالش ها و فاصله ها جهت دستیابی به وضعیت مطلوب اجرای مدل زیان اعتباری مورد انتظار در استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS9) برای بانک های ایران نیاز داریم؟

جامعه آماری مورد مطالعه

کلیه بانکهای ایرانی که IFRS را اجرایی نموده اند شامل پنج بانک سپه و ملی و کشاورزی و مسکن و توسعه صادرات طی بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۶، جامعه آماری تحقیق حاضر را تشکیل می دهند و سوال های مورد نظر در رابطه با این جامعه آماری مورد مطالعه و نظرخواهی و آزمون آماری قرار خواهد گرفت.

برآورد حجم نمونه و روش نمونه گیری

در پژوهش به شیوه دلفی، نمونه مورد مطالعه باید به نحوی انتخاب شود تا افراد متخصص، خبره و صاحب نظر در موضوع تحقیق، موسوم به اعضای گروه دلفی به عنوان نمایندگان جامعه مورد نظر، در نظرسنجی نقشی اساسی ایفا نمایند. به همین جهت، روش های نمونه گیری تصادفی برای انتخاب این افراد مناسب نمی باشد، بلکه در این قبیل پژوهش ها اشخاص صاحب نظر از طریق بررسی دانش، توانمندی و تجربیاتی که دارند انتخاب می شوند. مبنای انتخاب این افراد نیز ویژگی هایی است که صاحب نظران روش دلفی، برای اعضای گروه دلفی ضروری شمرده اند. به نظر هارمن و پرس، یک گروه متخصص در تحقیق دلفی، گروهی هستند که نمایندگان گروههای مختلف در آن شرکت داشته و از افرادی تشکیل شده باشند که علم و آگاهی عمیق و وسیعی در زمینه تحقیق دارند. بر این اساس، تعدادی از متخصصین و صاحب نظران واجد شرایط در زمینه تحقیق پرسشنامه ای حاوی سوالات مرتبط با سؤال های تحقیق ارسال خواهد شد تا از نظر کارشناسی آنان استفاده گردد.

۴- یافته های پژوهش

با توجه به موضوع این پژوهش، روش تحقیق باید به نحوی انتخاب می شد که هم وضعیت موجود (آنچه که هست) را مورد ارزیابی قرار می داد و هم دستیابی به یک وضعیت مطلوب یا به عبارت بهتر (آنچه باید باشد) را ممکن می ساخت. از این رو، از میان رویکردهای موجود روش شناسی تحقیق، رویکرد تفسیری مناسب تشخیص داده شد تا با استفاده از متدولوژی تحقیق دلفی دستیابی به اهداف پژوهش را میسر سازد. جامعه آماری این پژوهش را مدیران و خبرگان در حوزه بانک های دولتی تشکیل می دهند. اساسا، سازوکار دقیقی برای شناسایی تعداد افراد یا تعداد پانل مورد نظر در تکنیک دلفی وجود ندارد. توصیه معمول این است که ترکیبی از افراد با تخصص های متعدد استفاده شود و گروه های نامتجانس بهتر از گروهی متجانس است. (اشمیت، ۱۹۷۸) معتقد است شش تا

روش مرسوم برای تجمیع مجموعه‌ای از اعداد فازی مثلثی را کمینه l و میانگین هندسی m و بیشینه u در نظر گرفته‌اند.

رابطه ۱

$$F_{AGR} = (\min\{l\}, \left[\prod \{m\}, \max\{u\} \right])$$

هر عدد فازی مثلثی حاصل از تجمیع دیدگاه خبرگان برای شاخص زام به صورت زیرنمایش داده شده است. اندیس i به فرد خبره اشاره دارد. به طوری که

- X_{ij} : مقدار ارزیابی خبره i ام از معیار زام
 - L_j : حداقل مقدار ارزیابی‌ها برای معیار زام
 - M_j : میانگین هندسی مقدار ارزیابی‌ها خبرگان از عملکرد معیار زام
 - U_j : حداکثر مقدار ارزیابی‌ها برای معیار زام
- (چنگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ وو و فانگ، ۲۰۱۱؛ سو و چن، ۲۰۱۱)

برای نمونه برخی نیز از رابطه ۲ برای تجمیع دیدگاه خبرگان استفاده می‌کنند.

رابطه ۲

$$F_{AGR} = (\min\{l\}, \left\{ \frac{\sum m}{n} \right\}, \max\{u\})$$

(سو و همکاران، ۲۰۱۰)

در این مطالعه از روش میانگین فازی استفاده شده است. میانگین فازی n عدد فازی مثلثی با رابطه ۳ محاسبه خواهد شد:

رابطه ۳

$$\bar{F}_{AVE} = (L, M, U) = \left(\frac{\sum l_i^k}{n}, \frac{\sum m_i^k}{n}, \frac{\sum u_i^k}{n} \right)$$

که در این رابطه عدد فازی مثلثی $\tilde{f}_i = (l_i^k, m_i^k, u_i^k)$ معادل فازی دیدگاه خبره k ام پیرامون معیار i ام است.

فازی زدایی مقادیر

معمولاً می‌توان تجمیع میانگین اعداد فازی مثلثی و دوزنقه‌ای را توسط یک مقدار قطعی که بهترین میانگین مربوطه است، خلاصه کرد. این عملیات را فازی‌زدایی گویند. روش‌های متعددی برای فازی زدایی وجود دارد. در این مطالعه برای فازی‌زدایی از روش مرکز سطح به صورت زیر استفاده می‌شود:

رابطه ۴

$$DF_{ij} = \frac{[(u_{ij} - l_{ij}) + (m_{ij} - l_{ij})]}{3} + l_{ij}$$

۱۲ عضو برای تکنیک دلفی ایده‌آل است و به زعم (سیگل و کاستلان، ۱۹۸۸) اگر از ترکیبی از خبرگان با تخصص‌های گوناگون استفاده شود بین ۶ تا ۱۲ عضو کافی است. در برخی از تحقیقات دلفی کمتر از ۱۲ عضو در نظر گرفته می‌شود. (سامرویل، ۲۰۱۳). در این مطالعه از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده و در نهایت ۱۲ خبره از مدیران ارشد بانک های دولتی به عنوان نمونه انتخاب شده است.

برای گردآوری دیدگاه خبرگان سوالات پژوهش بصورت محرمانه در اختیار خبرگان قرار گرفته و از عبارات کلامی برای تعیین میزان اهمیت عناصر استفاده شده است. اگر چه افراد خبره از شایستگی‌ها و توانایی‌های ذهنی خود برای انجام مقایسات استفاده می‌نمایند، اما باید به این نکته توجه داشت که فرآیند سنتی کمی سازی دیدگاه افراد، امکان انعکاس سبک تفکر انسانی را بطور کامل ندارد. به عبارت بهتر، استفاده از مجموعه‌های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد و بنابراین بهتر است که با استفاده از مجموعه‌های فازی (بکارگیری اعداد فازی) به پیش بینی بلند مدت و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی پرداخت (کارامن و همکاران، ۲۰۰۹). در این مطالعه برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. اعداد فازی مثلثی معادل با عبارات کلامی نظرخواهی تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- طیف هفت درجه فازی برای ارزش‌گذاری شاخص‌ها

مقیاس عدد فازی	متغیر زبانی	معادل قطعی
(0, 0, 0.1)	کاملاً بی اهمیت	۱
(0, 0.1, 0.3)	خیلی بی اهمیت	۲
(0.1, 0.3, 0.5)	بی اهمیت	۳
(0.3, 0.5, 0.75)	متوسط	۴
(0.5, 0.75, 0.9)	باهمیت	۵
(0.75, 0.9, 1)	خیلی بااهمیت	۶
(0.9, 1, 1)	کاملاً بااهمیت	۷

الگوریتم اجرایی تکنیک دلفی فازی به صورت زیر است: پس از گردآوری دیدگاه خبرگان و فازی سازی دیدگاه آنها، در گام بعدی باید دیدگاه خبرگان تجمیع شود. برای تجمیع نظرات n پاسخ‌دهنده، روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است. در واقع این روش‌های تجمیع، روش‌هایی تجربی هستند که توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده‌اند. برای نمونه یک

(زنگ و تانگ، ۱۹۹۳)

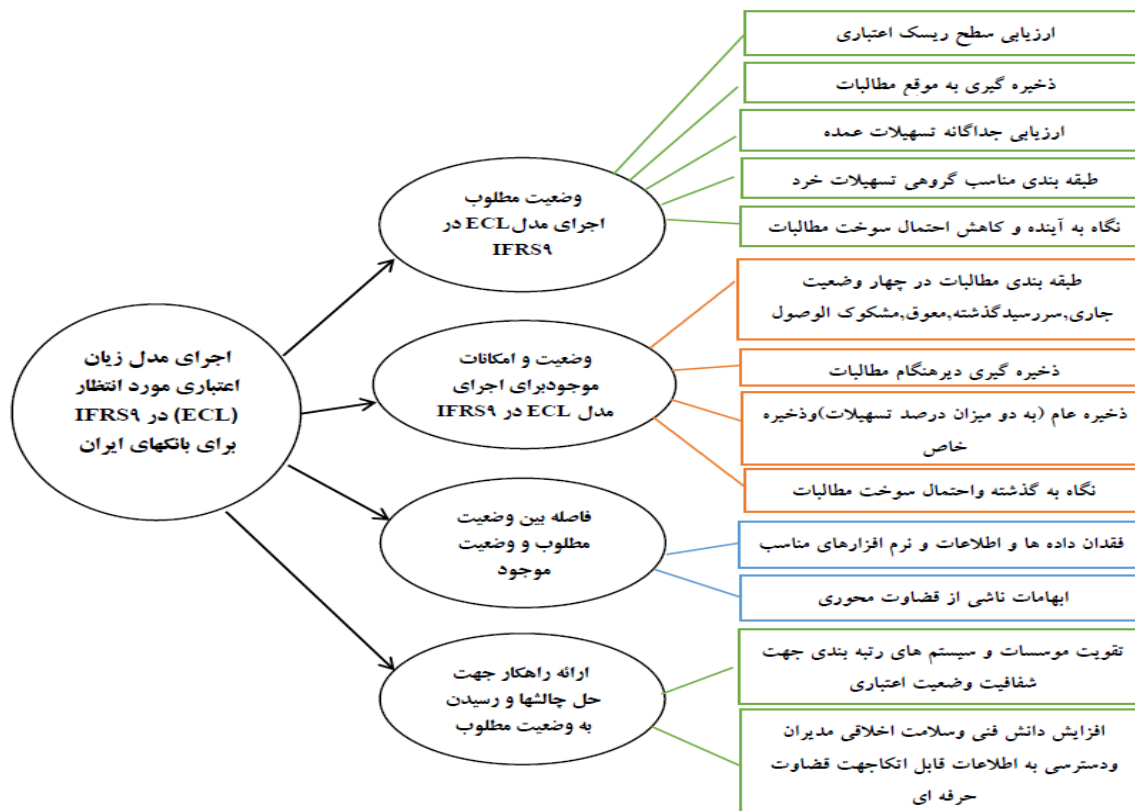
بررسی ها و مطالعات، ضمن شناسایی کاستی ها و نواقص احتمالی نظام حسابداری و گزارشگری مالی مورد عمل بانک ها در مورد وضع موجود یعنی IAS39، چالشهای احتمالی و تفاوتهای آن با IFRS9 از منابع نظری استخراج گردید. پس از آن، چالشهای مذکور، در قالب سؤالات مناسبی منظور و پرسشنامه ای حاوی موارد پیشنهادی جهت نظرخواهی از خبرگان طراحی گردیده است.

میانگین فازی و برون داد فازی زدایی شده مقادیر مربوط به شاخصها در جدول ۳ آمده است. مقدار فازی زدایی شده بزرگتر از ۰/۷ مورد قبول است و هر شاخصی که امتیاز بالای ۰/۷ داشته باشد تایید می شود (وو و فانگ، ۲۰۱۱)

بطور کلی پژوهش حاضر در مراحل مختلفی به شرح زیر اجرا شد:

- ب- نظرخواهی عمومی از خبرگان:** در این مرحله از تحقیق با استفاده از تحقیق دلفی، نظر خبرگان در مورد اجرای IFRS9 و همچنین ارزیابی وضعیت موجود یعنی IAS39، جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.
- ج- تدوین طرح کلی مدل:** در آخرین مرحله تحقیق، با استفاده از یافته های تحقیق حاوی کاستی ها و نواقص احتمالی نظام حسابداری و گزارشگری مالی مورد عمل بانک ها در مورد وضع موجود یعنی IAS39 و چالش های اجرای IFRS9 مورد اجماع خبرگان، ویژگی های کلیدی یک مدل حسابداری و گزارشگری مالی مناسب (مدل زبان اعتباری موردانتظار) برای بانکهای ایران در قالب مدل پیشنهادی ارائه گردید.

الف- مطالعه مبانی نظری: در این مرحله، تحقیقات انجام شده در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی در جوامعی که استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی اجرا نموده اند به طور عام و مطالعات انجام شده پیرامون استاندارد گزارشگری مالی بین المللی شماره ۹ و ارزش منصفانه و زبان اعتباری موردانتظار (ECL) مورد مطالعه قرار می گیرد. علاوه بر این، سایر مباحث نظری سازگار با ویژگی های محیطی کشورهایی که استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی را اجرا نموده اند از جمله مباحث نظری مربوط به تسهیلات مانند زمان ذخیره گیری و نرخ بهره موثر و زبان اعتباری موردانتظار (ECL) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد در فرآیند این



مدل مفهومی پژوهش

II II : چالشهای وضعیت موجود در بانکهای ایرانی برای اجرای مدل زیان اعتباری موردانتظار در IFRS9 :

C.18: فقدان داده ها و اطلاعات منتشر شده توسط موسسات رتبه بندی

C.19: عدم پایش صورتهای مالی و سایر اطلاعات منتشر شده در طول دوره بازپرداخت

C.20: نامناسب و ناکافی بودن اطلاعات مرتبط با وثایق

C.21: عدم دسترسی به اطلاعات قابل اتکا و قضاوت محور بودن مدیران

C.22: عدم بررسی اطلاعات مرتبط با محیط اقتصادی، قانونی، تجاری و صنعت مشتریان بزرگ بانکها

II II I : راه کارها جهت رفع چالشها و رسیدن به وضعیت مطلوب

C.23: تقویت موسسات رتبه بندی مستقل و سیستم های رتبه بندی داخلی

C.24: ارتقای نرم افزارها

C.25: افزایش دانش فنی مدیران

C.26: افزایش سلامت اخلاقی مدیران

C.27: دسترسی به اطلاعات قابل اتکا جهت قضاوت حرفه ای

شناسایی و غربالگری شاخص های پژوهش

در گام نخست به غربالگری و شناسایی شاخص های نهایی پژوهش پرداخته شد. بر اساس ادبیات پژوهش و مصاحبه های تخصصی انجام شده در مجموع ۲۷ شاخص شناسایی شده است. برای غربال شاخص ها و شناسایی زیرمعیارهای نهایی از رویکرد دلفی فازی استفاده شده است. برای سنجش اهمیت شاخص ها از دیدگاه خبرگان استفاده شده است.

فازی سازی دیدگاه پنل خبرگان برای هر یک از شاخص های پژوهش براساس اعداد فازی مثلثی در جدول ۲ ارائه شده است.

تجزیه و تحلیل سوالات نظرخواهی از خبرگان به روش دلفی فازی:

از خبرگان خواسته شد تا نظرشان را درباره اهمیت موارد زیر بیان نمایند:

I: ضرورتهای اجرای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) در بانکهای ایرانی:

C.1: جهانی شدن روشهای تامین سرمایه

C.2: رقابت شدید بین بانکها

C.3: الزام بانک مرکزی

C.4: از بین رفتن محدودیتهای و موانع تجاری

C.5: یکسان سازی مبانی تهیه صورتهای مالی با سایر کشورها چون سرمایه گذاران و سرمایه پذیران در یک کشور قرار ندارند

C.6: افزایش قابلیت مقایسه

C.7: کارایی بازارهای سرمایه

C.8: شفاف سازی اطلاعات مالی

II : آثار اجرای مدل زیان اعتباری مورد انتظار در IFRS9 (وضعیت مطلوب) :

C.9: ارزیابی سطح ریسک اعتباری

C.10: طبقه بندی مناسب گروهی تسهیلات خرد

C.11: ارزیابی جداگانه تسهیلات عمده

C.12: ذخیره گیری به موقع مطالبات

C.13: کاهش احتمال سوخت مطالبات

II I : زیرساختها و شرایط موجود در بانکهای ایرانی برای اجرای مدل زیان اعتباری مورد انتظار در IFRS9 :

C.14: طبقه بندی مطالبات در چهار وضعیت جاری ، سررسید گذشته ، معوق و مشکوک الوصول

C.15: ذخیره گیری دیر هنگام مطالبات

C.16: ذخیره عام و خاص

C.17: افزایش احتمال سوخت مطالبات

جدول ۲- فازی سازی دیدگاه پنل خبرگان برای هر یک از شاخص های پژوهش

	E01	E02	E03	E04	E05	E06	E07	E08	E09	E10	E11	E12
C01	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)
C02	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)
C03	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)
C04	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.3, 0.5, 0.75)	(0.5, 0.75, 0.9)
C05	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.3, 0.5, 0.75)	(0.75, 0.9, 1)
C06	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)
C07	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)
C08	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)
C09	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)
C10	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.5, 0.75, 0.9)
C11	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)
C12	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)
C13	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)
C14	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.3, 0.5, 0.75)	(0.9, 1, 1)
C15	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.3, 0.5, 0.75)
C16	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)
C17	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)
C18	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)
C19	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)

	E01	E02	E03	E04	E05	E06	E07	E08	E09	E10	E11	E12
C20	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)
C21	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)
C22	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)
C23	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)
C24	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)
C25	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)
C26	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)
C27	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)

(0.9,1,1); (0.863,0.975,1); (0.829,0.954,0.992);
(0.854,0.971,0.992)}

در ادامه می‌توان با فازی‌زدایی مقادیر، تجمیع میانگین اعداد فازی مثلثی را توسط یک مقدار قطعی که بهترین میانگین مربوطه است، خلاصه کرد. در این مطالعه برای فازی‌زدایی از روش مرکز سطح (رابطه ۴) استفاده شده است. میانگین فازی و برون‌داد فازی زدایی شده مقادیر مربوط به شاخص‌ها در جدول ۳ آمده است. مقدار فازی زدایی شده بزرگتر از ۰/۷ مورد قبول است و هر شاخصی که امتیاز بالای ۰/۷ داشته باشد تایید می‌شود.

در گام بعد برای تجمیع دیدگاه خبرگان از روش میانگین فازی (رابطه ۳) استفاده شده است. که در این رابطه عدد فازی مثلثی $\tilde{f}_i = (l_i^k, m_i^k, u_i^k)$ معادل فازی دیدگاه خبره k م پیرامون معیار α م است. میانگین نمرات اهمیت هر شاخص مانند C_i به صورت زیر است:

$AVE_{Ci} = \{(0.817, 0.946, 0.992); (0.783, 0.925, 0.983); (0.825, 0.95, 1); (0.688, 0.854, 0.954); (0.8, 0.925, 0.979); (0.838, 0.958, 1); (0.771, 0.917, 0.983); (0.863, 0.975, 1); (0.838, 0.958, 1); (0.75, 0.904, 0.975); (0.829, 0.954, 0.992); (0.842, 0.963, 0.992); (0.829, 0.954, 0.992); (0.679, 0.85, 0.946); (0.758, 0.9, 0.963); (0.792, 0.929, 0.992); (0.817, 0.946, 0.992); (0.842, 0.963, 0.992); (0.817, 0.946, 0.992); (0.863, 0.975, 1); (0.796, 0.933, 0.983); (0.817, 0.946, 0.992); (0.829, 0.954, 0.992)\}$

جدول ۳- نتایج حاصل از غربال‌گری شاخص‌ها

	کران پایین (L)	محتمل ترین عدد (M)	کران بالا (U)	میانگین (Mean)	عدد قطعی (Crisp)	نتیجه
C01	0.82	0.95	0.99	(0.817,0.946,0.992)	0.92	پذیرش
C02	0.78	0.93	0.98	(0.783,0.925,0.983)	0.90	پذیرش
C03	0.83	0.95	1.00	(0.825,0.95,1)	0.93	پذیرش
C04	0.69	0.85	0.95	(0.688,0.854,0.954)	0.83	پذیرش
C05	0.80	0.93	0.98	(0.8,0.925,0.979)	0.90	پذیرش
C06	0.84	0.96	1.00	(0.838,0.958,1)	0.93	پذیرش
C07	0.77	0.92	0.98	(0.771,0.917,0.983)	0.89	پذیرش
C08	0.86	0.98	1.00	(0.863,0.975,1)	0.95	پذیرش
C09	0.84	0.96	1.00	(0.838,0.958,1)	0.93	پذیرش
C10	0.75	0.90	0.98	(0.75,0.904,0.975)	0.88	پذیرش
C11	0.83	0.95	0.99	(0.829,0.954,0.992)	0.93	پذیرش
C12	0.84	0.96	0.99	(0.842,0.963,0.992)	0.93	پذیرش
C13	0.83	0.95	0.99	(0.829,0.954,0.992)	0.93	پذیرش
C14	0.68	0.85	0.95	(0.679,0.85,0.946)	0.83	پذیرش
C15	0.76	0.90	0.96	(0.758,0.9,0.963)	0.87	پذیرش
C16	0.79	0.93	0.99	(0.792,0.929,0.992)	0.90	پذیرش
C17	0.82	0.95	0.99	(0.817,0.946,0.992)	0.92	پذیرش
C18	0.84	0.96	0.99	(0.842,0.963,0.992)	0.93	پذیرش
C19	0.82	0.95	0.99	(0.817,0.946,0.992)	0.92	پذیرش
C20	0.86	0.98	1.00	(0.863,0.975,1)	0.95	پذیرش
C21	0.80	0.93	0.98	(0.796,0.933,0.983)	0.90	پذیرش
C22	0.82	0.95	0.99	(0.817,0.946,0.992)	0.92	پذیرش
C23	0.83	0.95	0.99	(0.829,0.954,0.992)	0.93	پذیرش
C24	0.90	1.00	1.00	(0.9,1,1)	0.97	پذیرش
C25	0.86	0.98	1.00	(0.863,0.975,1)	0.95	پذیرش
C26	0.83	0.95	0.99	(0.829,0.954,0.992)	0.93	پذیرش
C27	0.85	0.97	0.99	(0.854,0.971,0.992)	0.94	پذیرش

براین اساس همه شاخص‌ها برای ادامه تحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش، اطلاعات مورد نیاز عمدتاً از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و نظرخواهی از خبرگان و در موارد ضروری با انجام مصاحبه حضوری گردآوری شده است. با توجه به اینکه هدف اصلی تحقیق حاضر، ارزیابی وضعیت موجود یعنی IAS39 و دستیابی به مدل مناسبی (مدل زیان اعتباری مورد انتظار) برای حسابداری و گزارشگری مالی بانکهای ایران است، یافتن پاسخ برای چهار سؤال اصلی تحقیق و زیرمجموعه آنها به شرحی که گذشت مرحله‌ای اساسی در دستیابی به هدف اصلی این مطالعه می‌باشد. با توجه به مبانی نظری و متون مورد مطالعه، در بررسی و تطبیق گزارشگری مالی با الزامات مورد نظر IFRS9، چند عامل اصلی شامل اهداف گزارشگری مالی شماره ۹ و... عوامل محوری سؤال‌های پرسشنامه در نظر گرفته شدند. سپس عوامل فرعی مربوط به هر کدام از عوامل اصلی نیز مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و برای نظرسنجی و کسب اجماع نظر گروه‌های متخصص، سؤالهای مناسبی طراحی و در پرسشنامه درج گردید.

تکنیک دلفی یکی از روش‌های کسب دانش گروهی است که بیش از نیم قرن مورد استفاده قرار گرفته است. اساس محاسبات تکنیک دلفی بر دیدگاه خبرگان استوار است. بنابراین هرگونه خطا و ناسازگاری در سنجش دیدگاه خبرگان، نتیجه نهایی به دست آمده از محاسبات را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در رویکردهای دلفی سنتی، اگر چه از شایستگی‌ها و توانایی‌های ذهنی خبرگان برای انجام مقایسات استفاده می‌شود، اما کمی کردن دیدگاه خبرگان به روش سنتی، امکان انعکاس کامل سبک تفکر انسانی را ندارد. استفاده از مجموعه‌های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد و بنابراین بهتر است که با بکارگیری اعداد فازی به تصمیم‌گیری در دنیای واقعی پرداخت. با استفاده از مجموعه‌های فازی خطا کاهش پیدا می‌کند. همچنین یک چالش سنتی روش دلفی، حل مساله تعداد راندهای تکنیک دلفی است. این تحقیق نشان داده است برای غربالگری معیارها می‌توان از تکنیک دلفی فازی در یک راند استفاده کرد. همچنین برای پایان راندهای تکنیک دلفی جهت پیش‌بینی راهکاری روشن ارائه شده است.

بدین ترتیب، براساس عوامل اصلی و مؤلفه‌های تعریف شده برای کسب نظر متخصصین درخصوص موضوع مورد

پژوهش و سؤالهای اصلی تحقیق، پرسشنامه‌ای حاوی سؤالاتی تدوین و بین آنها توزیع خواهد شد. اعضای گروه دلفی با اظهار نظر موافق یا مخالف در مورد سؤالهای مطروحه و اختصاص امتیازی از ۱ تا ۷ به هر یک از سؤالات، نظر تخصصی خود را در مورد عوامل کلیدی پیشنهادی اعلام نمودند. علاوه بر این، در پرسشنامه مذکور از پاسخ دهندگان درخواست شده بود پس از اعلام نظر موافق یا مخالف درخصوص عامل پیشنهادی، نظر خود را درباره وضعیت عامل مربوطه در سیستم حسابداری مورد عمل صنعت بانکداری کشور اعلام نمایند تا از این طریق زمینه مناسبی برای مقایسه و ارزیابی وضعیت فعلی گزارشگری مالی بانکهای کشور در مورد رعایت عوامل مزبور فراهم شود. در این ارزیابی، پاسخ دهنده با اختصاص امتیازی از ۱ تا ۷ میزان دستیابی به عامل مورد نظر را در گزارشگری مالی رایج اعلام و نظر خود را از وضعیت عامل پیشنهادی در پیوستاری که به همین منظور در پرسشنامه لحاظ شده است ارائه می‌نمایند. در پیوستار مذکور، عدد ۷ نمایانگر تحقق کامل یا رعایت کامل عامل مورد ارزیابی و عدد یک نشان دهنده فقدان آن عامل در وضعیت فعلی گزارشگری بود.

۵- بحث و نتیجه گیری

مقاله حاضر، علاوه بر بررسی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در بانکهای ایران، موانع پیاده‌سازی این استانداردها در صنعت بانکداری را به ترتیب اهمیت شناسایی می‌کند. همانطور که در مبانی نظری پژوهش تشریح گردید، ری بال (۲۰۰۶) معتقد است که موانع استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شامل دخالت دولت‌ها در اقتصاد، سیاست‌های دستوری در مورد گزارشگری مالی، نفوذ برخی بخش‌ها در گزارشگری مالی مانند شرکت‌های بزرگ، بانک‌ها، اتحادیه‌های کارگری، سیستم‌های قانونی خاص مثل قوانین اوراق بهادار، عمق بازار مالی و ساختار آن، نقش رسانه‌ها، تحلیلگران مالی و نهادهای رتبه‌بندی، اندازه‌ی شرکت‌ها، ساختار راهبری شرکتی (نقش مدیران، کارگران و سرمایه)، نوع مالکیت دولتی، خصوصی یا خانوادگی، نقش سرمایه‌گذاران جزء و دارندگان اطلاعات نهانی، میزان استفاده از صورتهای مالی جهت پاداش مدیران و در نهایت موقعیت، استقلال، آموزش و حق الزحمه‌ی حساب‌رسان می‌باشد. در این پژوهش علاوه بر در نظر گرفتن این موانع به چالش‌های ساختاری و زیرساختهای مورد نیاز این استانداردها اعم از داده‌ها و نرم‌افزارهای مناسب، موسسات رتبه‌بندی داخلی و مستقل نیز بررسی گردید، و راهکارهای رفع این چالش‌ها نیز بیان گردید.

فهرست منابع

- * پورزمانی، زهرا و بنائی، مریم. (۱۳۹۶). تأثیر عوامل فرهنگی بر اجرای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، مجله پژوهش های تجربی حسابداری دانشگاه الزهراء، سال ششم، شماره ۴ (پیاپی ۲۴)، ص ص ۲۰۲-۱۷۷.
- * پوریناسب، امیر و مهرانی، ساسان. (۱۳۷۹). سرمایه گذاری، ارزش متعارف، فروپاشی بهای تاریخی نقد و بررسی استاندارد حسابداری مالی، مجله حسابدار، شماره ۱۴۱، ص ص ۱۷-۱۴.
- * دادبه، فاطمه. (۱۳۹۵). قوانین کاهش ارزش در استاندارد گزارشگری مالی بین المللی شماره ۹ (IFRS9) چالش های اجرا و راه حل های بالقوه، همایش ملی نقش مدیریت استراتژیک و سیستم های اطلاعاتی حسابداری در اقتصاد مقاومتی.
- * رودرینگر و کرایک. (۱۳۸۶). بررسی هماهنگ سازی حسابداری در سطح بین المللی با استفاده از دیدگاه هگل ترجمه دکتر ساسان مهرانی و امین ناظمی، مجله حسابدار، شماره ۱۸۷، ص ص ۴۴-۳۵.
- * سرمد، زهره. (۱۳۹۱). روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران. انتشارات آگاه، ص ۲۵۰.
- * ۶. صالح نژاد، سید حسن. (۱۳۷۶). هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری، فصلنامه بررسی های حسابداری، سال پنجم، شماره های ۱۸ و ۱۹.
- * فروغی، داریوش، اشرفی، مجید. (۱۳۸۸). استانداردهای جهانی حسابداری: چالشها و فرصتها، مجله حسابدار رسمی، شماره ۸، ص ص ۱۰۳-۹۶.
- * ۸. مهرانی، ساسان و امین ناظمی. (۱۳۸۶). بررسی هماهنگ سازی حسابداری در سطح بین المللی با استفاده از دیدگاه های دیالکتیک هگل هم ریختگی و دانش - قدرت فوکو، نشریه حسابدار، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۷.
- * ۹. نوروش، ایرج. (۱۳۸۱). بررسی ارزشهای فرهنگی در ایران و امکان دستیابی به هدف ارائه به نحو مطلوب استانداردهای بین المللی حسابداری، فصلنامه علمی و پژوهشی بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۹، شماره ۱، ص ص ۷۹-۵۹.
- * ۱۰. نونهال نهر، علی اکبر. (۱۳۸۷). تحلیل بر فرآیند هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری و نقد گرایش به آن در ایران، مجله حسابدار، شماره ۱۹۹، ص ۳.
- * ۱۱. وکیلی فرد، حمیدرضا. (۱۳۸۸). نقدی بر استانداردهای یکپارچه حسابداری، مجله حسابدار، شماره ۱۷، ص ۳۷، تهران.

یافته های منتج از این پژوهش نشان می دهد که همه خبرگان در مورد تمامی عوامل مورد سوال به توافق عمومی (اجماع) رسیده اند بنابراین هدف از اجرای این مطالعه به شیوه ی دلفی، که دسترسی به اجماع خبرگان در مورد عوامل کلیدی مدل مناسب حسابداری و گزارشگری مالی (مدل زبان اعتباری مورد انتظار) در مبحث تسهیلات بوده، حاصل گردید. این یافته ها با نتایج تحقیق لاتریدیس و راولیس (۲۰۱۵) و در مواردی با تحقیق دادبه (۱۳۹۶) همسو می باشد در حال حاضر برای اجرای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در مبحث تسهیلات بانکها باید IAS39 را اجرا نمایند که 3 مساله اصلی در در مورد شناسایی وامهای نکول شده انفرادی بر اساس تعریفی از شواهدی عینی نکول و اندازه گیری این شواهد، نحوه پیش بینی جریانهای آتی وجوه نقد ورودی برای تسهیلات انفرادی و تدوین روشی برای ارزشیابی های گروهی سایر وام ها پیش رو خواهند داشت. بانکها برای ذخیره گیری می توانند بر روی تسهیلات با اهمیت تمرکز کنند چرا که گردآوری اطلاعات در خصوص آنها ممکن است ساده تر باشد (بعنوان مثال 100 مشتری اول می تواند بیش از 90% پرتفوی تسهیلات بانک را تشکیل دهد). همچنین نتایج این پژوهش برای پیاده سازی مدل زبان اعتباری مورد انتظار نشان می دهد بانکها نیازمند توسعه سیستم های مدیریت ریسک خود می باشند چرا که بخش عمده ای از اطلاعات مورد نیاز مثل تعیین احتمال نکول (PD) و رتبه بندی های داخلی مشتریان در خصوص تعیین ذخیره مطالبات را آن واحدها تهیه می کنند.

ناظران بانکی نیازمند سهیم شدن در اجرای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در بانکها می باشند، خصوصا این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که اجرای این استانداردها توسط هر بانک و بدون تعامل همه گیر می تواند به نتایج گزارشگری غیر یکنواخت و غیر منتظره ای منجر شود.

امید است این مطالعه از یک طرف آغازی برای پیاده سازی مدل زبان اعتباری مورد انتظار و به تبع آن کاهش معوقات و سوخت مطالبات بانکها شود و از طرف دیگر برای انجام مطالعات بیشتر و بهتر و توسعه روزافزون و کیفی تهیه صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به صورت محتوایی در کشور باشد که این خود باعث شفاف سازی و افزایش قابلیت مقایسه و توجه سرمایه گذاران خارجی و گشایشی برای انجام معاملات با سرمایه گذاران و بانکهای خارجی می باشد.

* ۱۲. هدایتی، علی و یزدانی، شهره (۱۳۹۷). شناسایی نیازهای آموزشی جامعه حسابداران رسمی ایران در ارتباط با پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۷، ص ص ۱۵۲-۱۳۷.

- * 13. Agostino, M., Drago, D., & Silipo, D. (2011). The value relevance of IFRS in the European banking industry. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 36(3), 437-457. <http://dx.doi.org/10.1007/s11156-010-0184-1>, 1-21.
- * 14. Ball, Ray, (2006), *International Financial Reporting Standards (IFRS): Pros and Cons for Investors*, Working Paper, University of Chicago.
- * 15. Barth, M. E., Landsman, W. R., & Lang, M. (2008). International accounting standards and accounting quality. *Journal of Accounting Research*, 46(3), 467-498.
- * 16. Callao, S., Ferrer, C., Jarne, J. I., & Laínez, J. A. (2010). IFRS adoption in Spain and the United Kingdom: Effects on the accounting numbers and relevance. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 26, 304-313.
- * 17. Cooper C, Neu D, Lehman G, (2003), Globalisation and its discontents: a concern about growth and globalization, *Accounting Forum*, 27(4):359-63.
- * 18. Rodriguse, L, Craig, R., (2006), *Assessing International accounting harmonization using Hegelian dialectic, isomorphism and Foucault Critical Perspectives on Accounting*.
- * 19. Daske, Holger and Luzi Hail and Christian Leuz and Rodrigo Verdi, (2008), *Mandatory IFRS Reporting Around the World: Early Evidence on the Economic Consequences*, University of Mannheim.
- * 20. Hendrikson, Eldon S & F. van Breda, (1992), *Accounting Theory*, Richard Irwin.
- * 21. Hung, M. & Subramanyam, K. (2004). Financial statement effects of Adopting International Accounting Standards: The case of Germany. Retrieved from <http://papers.ssrn.com/abstract=62292>.
- * 22. Iatridis George. (2010). International Financial Reporting Standards and the quality of financial statement information. *International Review of Financial Analysis*, 19 (2).